

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال پنجم، شماره دهم، تابستان ۱۴۰۱ (صص ۶۳ - ۷۸)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2022.325956.1107

DOR: 20.1001.1.26453894.1401.5.10.2.4

## تصویرآفرینی بلاغی از قرآن کریم در شعر و ادب فارسی: مطالعه موردی اشعار

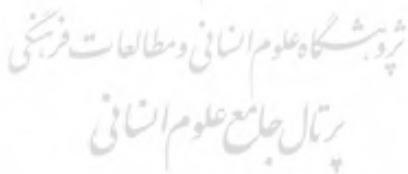
### سلمان هراتی

حسن قاسم‌زاده ابلی<sup>۱</sup>، خدابخش اسداللهی<sup>۲</sup>، محمدرضا شاد منامن<sup>۳</sup>

#### چکیده

سلمان هراتی، از جمله شاعران متعدد و صاحب سبک است. بهره‌گیری از تصاویر بلاغی در شعر او دارای دو خصیصه اقلیمی و توجه به مفاهیم قرآنی است. این رویکرد، علاوه بر نوعی نوآوری ادبی، بیانگر اصول اخلاقی و قرآن‌مداری سلمان است. هراتی، در تصویرآفرینی هنری، از مفاهیم قرآنی صرفاً به‌عنوان ابزار بهره‌نگرفته است؛ بلکه از آن، در جهت تقدس بخشیدن به شعر استفاده کرده است. به بیانی دیگر، اغلب اشعار سلمان، در حوزه پایداری و دفاع مقدس است و با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی در تصویرآفرینی، علاوه بر ایجاد التذاذ ادبی، به آن‌ها تقدس بخشیده است و در این‌بین، تشبیه مهم‌ترین عنصر سازنده اشعار قرآنی سلمان است که در اختیار غنای عاطفه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر به تبیین چگونگی تأثیر بلاغی قرآن کریم در اشعار سلمان هراتی پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، سلمان هراتی، تصویر آفرینی، تصاویر بلاغی.



۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

hasanghasanzadehebli@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

kh.asadollahi@gmail.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

m.shad@qukn.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۵

## ۱. مقدمه

تصویر شعری را «ایماژ» می‌گویند. این اصطلاح، بیانگر همهٔ امکانات موجود برای خلق جهان خیالی در شعر است که خود، ابزار انتقال تجربهٔ حسی و عاطفی به مخاطب می‌شود. نخستین بار شفیع کدکنی برای ترجمهٔ ایماژ، معادل معنایی «صورخیال» را برگزید (رک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۲). امروزه دیگر همهٔ اهالی ادب، اصطلاح صورخیال را در برابر ایماژ و در معنای خلق جهان خیالی از راه به‌کارگیری تشبیه، استعاره، کنایه، تمثیل و دیگر شگردهای علم بیان به کار می‌برند. بنیان اصلی بلاغت، بر قرآن کریم استوار است و برخی از شاعران، بنابر علل مختلف، در تصویرآفرینی‌های ادبی نیز به قرآن کریم توجه ویژه‌ای دارند که سلمان هراتی از نمونهٔ آن شاعران است. سلمان هراتی (۱۳۳۸-۱۳۶۵) از شاعران بزرگ معاصر و صاحب سبک به شمار می‌آید. سادگی، شیوایی، انسجام و فصاحت کلام اشعارش، او را در زمرهٔ بزرگان ادب فارسی قرار داده است که اوج شکوه و زیبایی اشعارش، بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی و جنبه‌های اقلیمی در تصویرآفرینی است. اشعار هراتی، عرصهٔ تجلی ارزش‌های الهی-انسانی کلام خداست و جای‌جای آن آکنده از مضامین و اندیشه‌های بلند قرآن است، مصداق آیات جهاد و شهادت و ایثار است. گویی آیات آن را به زبان خود جاری می‌کند (رک: دبیمی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

به نظر می‌رسد وی احیای باورهای دینی و قرآنی را سرلوحهٔ کارهای خود قرار داده است. واضح است «از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران بر مبنای قرآن، دین، کلام و سیرهٔ ائمه معصومین و به‌خصوص قیام خونین عاشورای حسینی شکل گرفته است، استفاده از منابع مذهبی، آیات و احادیث در شعر این دوره موضوعی کاملاً رایج و مشهود به شمار می‌رود» (آیین، ۱۳۹۱: ۱۵). سلمان هراتی به‌عنوان شاعر چیره‌دست به کمک علم بیان و بدیع و با تصویرسازی‌های گوناگون پدیده‌های عادی را برجسته می‌سازد و از صور خیال و امکانات ادبی و هنری بهره می‌برد؛ زیرا «در آفرینش هنری

گمان بر این است که مخاطب به آسانی دل به سخن نخواهد داد و گوش هوش به آن نمی‌سپارد. هنر سخنور در این است که او را به هرروی بدین کار برانگیزد، نگاه دل او را به سوی خویش درکشد تا بتواند اندیشه‌هایش را در یاد او جای دهد و او را با خود هم‌دل و هم‌داستان گرداند» (کزازی، ۱۳۷۵: ۳۱). نگرش سلمان به دنیای پیرامونی‌اش قرآنی است و همه پدیده‌ها را به دیده آیات الهی می‌نگرد؛ همین امر سبب شده است که سلمان به دنیا عشق بورزد: «جهان، قرآن مصور است/ و آیه‌ها در آن/ به جای آن که بنشینند، ایستاده‌اند/ درخت یک مفهوم است/ دریا یک مفهوم است/ جنگل و خاک و ابر/ خورشید و ماه و گیاه/ با چشم‌های عاشق بیا/ تا جهان را تلاوت کنیم» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

#### ۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

تجلی و حضور آموزه‌ها و مفاهیم دینی- قرآنی از دیرباز در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان جهان، مهم‌ترین منبع الهام‌گر دینی نزد شاعران و نویسندگان پارسی‌زبان محسوب می‌شود. سلمان هراتی نیز از جمله شاعران متعهد، تأثیرگذار و انقلابی معاصر است که از سرچشمه فیض لایزال الهی در پروراندن اشعار خود استفاده کرده است و با الهام از قرآن کریم در آثار خود، تصاویر بلاغی زیبایی را به وجود آورده است.

با توجه به موارد گفته‌شده، این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤالات است:

الف) سلمان در کدام قالب‌های شعری از تصویرآفرینی قرآنی استفاده کرده است؟

ب) هدف هراتی از کاربرد بلاغی تصاویر قرآنی چه بوده است؟

ج) سلمان هراتی از کدام نوع صور خیال بیش از همه در راستای بیان اندیشه‌های

قرآنی و مفاهیم دینی سود جسته است؟

## ۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

باید گفت که جنبه بلاغی- قرآنی شعر سلمان اهمیت ویژه‌ای دارد که متأسفانه در پژوهش‌ها چندان به آن توجه نشده است. با تأمل در شعر هراتی، می‌توان تصویرآفرینی قرآنی سلمان را آشکارا دید. بر این اساس، امید است که مقاله حاضر بتواند راه را برای پژوهش‌های کامل‌تری هموار کند.

## ۳-۱. پیشینه تحقیق

با توجه به عظمت کتاب آسمانی قرآن کریم، شاعران و نویسندگان زیادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این معجزه جاودانی تأثیر پذیرفته‌اند و مقالات متعددی در این راستا نوشته شده است؛ ولی در هیچ پژوهشی، تصویرآفرینی بلاغی سلمان هراتی از قرآن کریم بررسی نشده است؛ بنابراین به برخی از پژوهش‌هایی که در زمینه شعر سلمان صورت گرفته است، اشاره می‌کنیم:

- اسماعیل ذاکری و زهره ملاکی در مقاله «بررسی نوآوری در اشعار سلمان هراتی در پرتو استعاره مفهومی» (۱۳۹۷)، با استخراج انواع استعاره‌های مفهومی و ترسیم نگاشت‌های مربوط به آن‌ها، به این نتیجه دست یافته است که در اشعار ایشان نوآوری در استفاده از استعاره‌های قراردادی و خلق استعاره‌های غیر قراردادی برجستگی خاصی دارد و پیوند بین سه مقوله عناصر طبیعت و ایدئولوژی و حوادث اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، موجب خلق استعاره‌های به هم پیوسته و منسجم شده است. پیوند این سه مقوله، مانند نخ نامرئی این استعاره‌ها را به هم متصل کرده است که حاصل آن، نگاشت‌های اصلی و بنیادین «هستی، طبیعت است»، «زندگی، حرکت است» و «زندگی، مبارزه است» شده است.

- سهیلا صلاحی اصفهانی در مقاله «تجلی قرآن در ادب فارسی نگاهی به اشعار سلمان هراتی» (۱۳۸۲)، به ذکر نمونه‌هایی از اشعار قرآنی سلمان پرداخته است. بر اساس این پژوهش، سلمان هراتی از شمار پاکان صمیمی است که کلامش آکنده از عطر

محمدی است. در پهنه «آسمان سبز» اندیشه‌اش، باورهای قرآنی جلوه‌گر است. «از این ستاره تا آن ستاره»، زندگی‌اش با نور قرآن روشن شده و از «دری [که] به خانه خورشید» گشوده است، با بصیرتی قرآنی به جهان می‌نگرد.

- حسن آبین در کتاب «تجلی قرآن کریم در اشعار شاعران دفاع مقدس» (۱۳۹۱)، به بررسی اندیشه‌های قرآنی در اشعار علی‌رضا قزوه، علی معلم دامغانی و سلمان هراتی و عوامل تأثیرپذیری این سه شاعر از قرآن کریم پرداخته است و سپس به تعریف اصطلاحات و انواع بهره‌گیری از آیات کریمه اشاره کرده است.

## ۲. بحث و یافته‌های تحقیق

پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی، یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد (راستگو، ۱۳۹۷: ۶). با رشد و گسترش ادب فارسی، قرآن کریم بر اشعار شاعرانی همچون رودکی، فردوسی، کسایی، ناصرخسرو تأثیر فراوانی گذاشت و این تأثیرگذاری در قرن هفتم، تحوّل اساسی در روند آثار منظوم فارسی ایجاد کرد و باعث پیدایش متون تعلیمی عرفانی شد؛ به گونه‌ای که شالوده ساختار و محتوای اصلی آثاری همچون مثنوی معنوی را قرآن تشکیل می‌دهد و از آنجایی که درس قرآن، ورد شب‌های حافظ گشته است، لطایف حکمی را با نکات قرآنی پیوند زده است (ر.ک: محرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

در این دوره «هیچ شاعری نیست که از الفاظ و مفاهیم قرآن کریم و احادیث نبوی در شعر خود به‌وفور استفاده نکرده باشد» (غلامرضایی، ۱۳۷۶: ۱۶۸). این روند تا دوره معاصر شعر فارسی ادامه یافته و در اشعار شاعران معاصر با توجه به غلبه روحیه مذهبی و انقلابی تبلور ویژه‌ای یافته است. سلمان هراتی از جمله شاعران دوره معاصر است که توجه ویژه‌ای به مضامین قرآنی دارد. علاوه بر تأثیرپذیری از مضامین قرآن و کاربست آن در شعر خود، در تصویرآفرینی‌های خود نیز به این کتاب مقدس توجه داشته است که به بررسی آن پرداخته می‌شود:

## ۱-۲. تشبیه

تشبیه از مهم‌ترین صور خیال است که بر پایه ادعای همانندی بین دو یا چند چیز شکل می‌گیرد؛ مشروط بر این‌که این ادعا تخیلی و کذب باشد نه واقعی (براهنی، ۱۳۷۱: ۵۶/۱). «قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ \* إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (یس: ۵۲ و ۵۳). آمدن امام خمینی (ره) و به تبع آن، وقوع انقلاب اسلامی را به قیامت تشبیه کرده است. وجود عباراتی همچون «آیه‌های قیامت» و «بعثت» بر تقویت مفاهیم مورد نظر شاعر و تداعی آن در ذهن مخاطب افزوده است:

«تو آمدی/ ساده‌تر از بهار/ مثل تلاوت آیه‌های قیامت/ با بعثتی عظیم پی‌درپی/ و ما از خویشتن پرسیدیم/ زیستن یعنی چه؟! و یاد گرفتیم بگوییم/ تو کلت علی الله» (هراتی، ۱۳۸۸: ۴۲).

علاوه بر استفاده ادبی از «وصف قیامت» به‌عنوان مشبه‌به برای بیان شدت وضعیت پدیده‌ای دیگر، بیان کیفیت قیامت نیز با تصویرآفرینی ادبی در شعر سلمان به‌کاررفته است. شاعر با بهره‌گیری از آیه «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ \* وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ \* وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (تکویر: ۱-۳).

در جایی دیگر شاعر وسعت قیامت را به عطش بی‌پایان تشبیه کرده است: «دورتر آن‌سوتر/ دایره در مه/ ماه و خورشید به هم آغشته/ کوه‌ها سرگردان، آشفته/ و زمینش دیگر/ و زمانش دیگر/ آسمانش را خورشیدی نیست/ چشم تا بگشایی/ وسعتی هست وسیع/ مثل اطراف عطش بی‌پایان/ بهت از حاشیه چشمانت می‌ریزد/ و تو می‌مانی تنها عریان/ ابری نیست تا تو را سبز کند/ و نه جواری/ تا مشربه را آب کنی/ بادهايش به عطش می‌مانند/ با صدایی که صدا نیست/ تو را می‌خوانند/ لب خاموش تو را/ پاسخی هست به این/ پرسش محتوم آیا؟» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

سلمان، در شعری که در وصف میرزا کوچک‌خان جنگلی سروده است، با بهره‌گیری از تشبیه، جنگل را به قیامت تشبیه کرده است که انسان‌ها (درختان) در آن روز، دوباره برانگیخته می‌شوند. برانگیخته شدن در روز قیامت، واقعه‌ای است که در آیاتی همچون «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹) به آن اشاره شده است:

«آی میرزا/ جنگل هماره، تو را به ذکر می‌خواند/ جنگل سبزینه بگری است/ که بی‌هیچ واسطه/ در بهار، تو را می‌زاید/ چون نام تو/ با رویش و شکفتن دائم/ در ذات جنگل است/ جنگل به نام تو می‌روید/ جنگل به نام تو می‌رویاند/ در فصل رستن و رُستن/ جنگل قیامت است/ درختان به غرور برمی‌خیزند/ سرود می‌خوانند» (هراتی، ۱۳۸۸: ۴۵).

سلمان، بر پایه همین اندیشه‌های قرآنی، بهار را رستاخیز دوباره طبیعت دانسته است و با بهره‌گیری از اندیشه قرآنی «وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر / ۹)، معاد را به جاذبه‌ای تشبیه کرده است که انسان را به سمت خود برمی‌انگیزاند. در این شعر، شاعر با استفاده از تشبیه تفضیل، معاد سرسبز از بهار وصف کرده است:

«بهار آمده است/ چه گلی بر سر خویش زدی؟/ ای سرگردان/ اگر به مرگ اعتماد کنی/ معاد جاذبه‌ای است/ که تو را برمی‌انگیزاند/ سبزتر از هر بهار» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

توجه به شهیدان هشت سال دفاع مقدس و وصف آنان مطابق با اندیشه‌های قرآنی در شعر سلمان تبلور ویژه‌ای است. سلمان با توجه به آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹) به تصویرآفرینی پرداخته و با بهره‌گیری از تشبیه جمع، شهید را به درخت، باران و نیلوفر تشبیه کرده است:

«ای مادر شهید/ سوگوار که/اید؟ دل‌تنگی‌تان مباد/ آنان درختانند/ بارانند/ آنان نیلوفرند/ که از رحمت دست خدا برخور دارند/ آبی‌اند/ آسمانی‌اند/ نه تو و نه من نمی‌دانیم/ فراتر از دانایی‌اند، روشنائی‌اند» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

مطابق با آیه فوق، شهیدان جاودانه هستند. این مضمون در اغلب اشعار پایداری سلمان به چشم می‌خورد و بر مبنای همین اندیشه، شاعر به تصویرآفرینی‌های متنوعی دست‌زده است. از سویی، شهید را به واسطه جاری شدن خونس، به رود سرخی تشبیه کرده است که تا ابدیت جاری است:

«و نهاد/ بخشی از جمله که درباره آن/ خبری می‌شنویم/ و گزاره خبر است/ مثل این جمله: شهید/ رود سرخی است که تا/ ابدیت جاری است» (هراتی، ۱۳۸۸: ۳۵۸).

و از سویی دیگر، شهید به بهار جاودانی تشبیه شده است که بعد از گذر سرمای زمستان، گرما و مهربانی را به دیگران می‌بخشد:

شهیدان یک بهار جاودانند/ که چون خورشید گرم و مهربانند/ میان دفتر نقاشی ما/ به یک لب‌خند، صد گل می‌فشانند (همان: ۳۹۴).

مسئله انسان و فلسفه انسان‌شناسی، از مهم‌ترین مضامین شعر سلمان است که اغلب بر پایه اندیشه‌های مذهبی و اعتقادی او، به آن پرداخته شده است. در شعر زیر، سلمان با بهره‌گیری از آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/ ۷۲)، عشق را به پیمان‌های تشبیه کرده است که خداوند دل را در آن قرار داده است. در این تصویرآفرینی، نوعی هنجارگریزی دیده می‌شود؛ از این جهت که عرف، دل به پیمان‌های تشبیه می‌شود که عشق در آن جای می‌گیرد:

«تن خاک حقیر بود جانش دادی/ پیوسته تو را سپاس می‌گوید دل/ تا زمزمه مرگ امانش دادی/ در حوصله عشق مکانش دادی» (هراتی، ۱۳۸۸: ۳۲۱).



علاوه بر آیه فوق، دو آیه دیگر نیز در این شعر به کار رفته است که عبارت‌اند از: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ \* فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/ ۲۹-۲۸) و «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ» (انعام/ ۲).

## ۲-۲. استعاره

استعاره نوعی تشبیه و نموداری از تمثیل است؛ به این معنی که واژه‌ای در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده داشته باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق می‌شده؛ سپس شاعر یا غیر شاعر این واژه را در غیر آن معنی اصلی به کار برد و این معنی را به آن لفظ منتقل سازد؛ انتقالی که نخست لازم نبوده و به‌مثابه عاریت است (ر.ک: جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۷). «استعاره، نقل لفظی باشد از معنی حقیقی به معنی دیگر؛ به‌طوری که علاقه بین المعنیین مشابهت باشد و استعاره نوعی از مجاز است» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۰۴). استعاره، در حقیقت نوعی از مجاز است؛ ولی شرط آن وجود علاقه مشابهت است بین معنای حقیقی و مجازی (ر.ک: صفا، ۱۳۶۳: ۵۸).

تناسب و سهل‌الوصول بودن علاقه مشابهت در استعاره‌های به‌کار رفته در شعر سلمان، لذت حاصل از زیبایی هنری را دوچندان می‌کند؛ بر این اساس شاعر با استفاده از ابزار استعاره به کمک تصویرآفرینی در تلاش است که اندیشه‌های پنهان خود را به زیباترین شکل برای مخاطب به تصویر بکشد و زیبایی تصویر را به اوج برساند. هراتی در شمال سرسبز زندگی می‌کرد و فضای رنگارنگ و متنوع شمال، ذهن او را پذیرای خلق معانی جدید کرده بود؛ به همین دلیل با خلق استعاره‌های نو و کنار گذاشتن تصاویر استعاری کهن، معانی تازه‌ای را کشف می‌کرد. سلمان، با تصویرآفرینی استعاری و بهره‌گیری از آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/ ۲۷۷)، گرگ را به شکل استعاری در معنی نفس اماره به کار برده است؛ این مفهوم استعاره که زیرساخت تشبیهی دارد، در حکمت صدرایی و اشعار فریدون مشیری نیز به چشم می‌خورد:

«با من بگو/ وقتی که در نماز می‌ایستی/ پشت حصار ترس هجوم گرگ/ چه می‌کاری؟» (هراتی، ۱۳۸۸: ۵۰)

در شعر زیر، سلمان، با استفاده از آیه «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰)، پل را به شکل استعاری، در معنی دعا به کار برده است. از دیدگاه سلمان، دعای انسان همچون پلی است که انسان را به آبادانی می‌رساند، پلی که شالوده آن بر درد و نیاز است:

«هرچند هوای دل من طوفانی است/ بنیاد دلم نهاده بر ویرانی است/ در من اما پلی است از درد و نیاز/ می‌خواندم آن سوی که آبادانی است» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

استعاره در شعر سلمان، صرفاً به کاربرد آن در یک واژه محدود نیست؛ بلکه او استعاره را به شکل پی‌درپی در بافت کلام قرار داده است؛ به عبارتی دیگر، در یک شعر، واژه‌های استعاری متعددی به کار برده است. لذت درک زیبایی هنری آن، زمانی بیشتر می‌شود که به کاربرد تصاویر قرآنی آن نیز پی ببریم. در شعر زیر «یک شاخه گل محمدی» استعاره از «حضرت موسی»، «شکفتن» استعاره از «آغاز بعثت»، «دیکتاتور» استعاره از «فرعون»، «صندوق حادثه» استعاره از «گهواره حضرت موسی» است. این کاربرد چندگانه استعاره سبب شده است که زیبایی‌های شعر و التذاذ ادبی حاصل از درک آن دوچندان شود:

«یک شاخه گل محمدی/ با شدتی شکفت/ در برودت سینا شکفت/ چندان که/ هفت ستون سیمانی فروریخت/ و دیکتاتورها، سر گیجه گرفتند/ نظامیان/ جهت پیشگیری طوفان/ امواج را/ در سواحل نیل بازرسی می‌کنند/ اما در تقدیر آمده است/ این بار چون گذشته/ صندوق حادثه/ در اطراف دست‌های امین آسیه/ لنگر می‌گیرد/

پلیس/ بین گل محمدی و مردم/ دیوار می‌کشد/ و نمی‌داند که/ نیل به بلعیدن  
فرعونان/ عادت دارد/ آه... / بر موج‌های نیل/ صندوق حادثه را» (همان: ۲۴۶).

آیات مرتبط با این تصویر استعاری عبارت‌اند از: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِيَّاكَ  
بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه: ۱۲)؛ «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ  
فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ \* وَ قَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَرَّتْ عَيْنِي لِىَ وَلَكَ  
لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص: ۹-۸)؛ «فَأَخَذْنَا وَ  
جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (همان: ۴۰).

سلمان با استفاده از آیه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزله/۱)، به شکل استعاری،  
«فردا» را در معنای «روز قیامت» و «بهار» را در معنای «رستاخیز و برانگیخته شدن»  
به کار برده است:

«فردا/ با یک زلزله بهار می‌شود/ آنگاه پیامبران/ با شاخه‌ای از گل محمدی/ به دنیا  
می‌گویند: صبح به‌خیر» (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

بهره‌گیری از آیات قرآنی و به تبع آن، تصویر آفرینی استعاری در مورد قیامت در  
سایر اشعار سلمان نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال، در شعر زیر «دفتر» استعاره از  
«کارنامه اعمال»، «سیاهی مشق» استعاره از «گناهان»، «فردا» استعاره از «روز  
قیامت»، «زنگ حساب» استعاره از «زمان بررسی اعمال» و «جریمه» استعاره از  
«مجازات» است:

«من مثل عصر روزهای دبستان/ پر از کسالت و تردیدم/ و دفترم از مشق‌های  
خط خورده/ سیاه است/ هراس من این است/ فردا که زنگ حساب آید/ با این کمینه  
چنین خواهند گفت:/ باید هزار بار/ در شعله‌های آتش دوزخ فرو روی/ اینت جریمه‌ات  
برو» (همان: ۶۸).

و آیات مرتبط با این شاعر عبارت‌اند از: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ  
الْحِسَابُ» (ابراهیم: ۴۱)؛ «وَ أَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ \* فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا \* وَ

يَصَلِّي سَعِيرًا» (انشقاق / ۱۲-۱۰). شهادت در نزد هراتی جایگاه ویژه‌ای دارد و دیدگاه او نسبت به شهید و شهادت، منطبق با آموزه‌های قرآنی است. به همین منظور، او برای انعکاس دادن اهمیت شهید، از تصویرآفرینی‌های متعددی استفاده کرده است. سلمان برای تبیین مفهوم آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹) علاوه بر تشبیه، از استعاره نیز بهره گرفته است و برای این منظور، درختان سرسبز را در مفهوم استعاری شهید به کار برده است:

«آن سوی قلمرو چشم‌هامان / درختانی ایستاده‌اند / هزار بار / سبزتر از این جنگل کال / بعد از اینجا / اقیانوسی است / آبی‌تر از زلال / یله در بی‌کرانگی / چون ابدیت بی-ارتحال» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

«زندگی ساعت تفریحی نیست / که فقط با بازی / یا با خوردن آجیل و خوراک / بگذرانیم آن را / هیچ می‌دانی آیا / ساعت بعد چه درسی داریم؟ / زنگ اول دینی / آخرین زنگ حساب» (همان: ۳۵۲)

ذهن خواننده با شنیدن آخرین زنگ حساب، با خیال‌انگیزی و ابهام تبادری که شاعر به کار برده است، متوجه یوم‌الحساب و رسیدگی به اعمال بندگان می‌شود؛ همچنین با آوردن زنگ اول دینی می‌خواهد بگوید که خداوند در طول تاریخ بشر را بدون هدایت رها نکرده و در تمام اعصار پیامبرانی برای راهنمایی انسان‌ها فرستاده است تا با مردم اتمام حجت کند؛ بنابراین زندگی انسان با زنگ دینی یعنی هدایت و ارشاد پیامبران شروع و با رسیدگی به اعمال در روز قیامت تمام می‌شود و معلوم می‌گردد که چه کسانی بهشتی و چه افرادی برزخی خواهند شد.

## ۲-۳. مجاز

«مجاز به کار بردن واژه یا عبارتی به جای واژه و عبارت دیگر است، مشروط بر این که باید قرینه‌ای مبنی بر عدم اراده معنی اصلی وجود داشته باشد؛ علاوه بر آن، رابطه و علاقه‌ای بین معنی اول و معنی ثانوی ایجاد شده باشد» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۱). «مجاز در

شعر هراتی با توجه به القای معانی کلمات و عباراتی که از خود ابداع می‌کند، باعث تأثیرپذیری به صورت پیام خاصی در ذهن خواننده یا مخاطب می‌گردد» (مهرآور، ۱۳۹۱: ۲۴۳).

او در شعر زیر، با بهره‌گیری از آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ يَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَ هُوَ الْوَلِيُّ الْخَمِيدُ» (شوری / ۲۸)، «رحمت» را مجازاً در معنی «باران» به کار برده است:

«وقتی خدا/ رحمت بی‌منتهاش باریدن می‌گیرد/ می‌گویم شاید/ از تو تشنه‌تر نیافته است» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۹).

همچنین در شعر زیر «بسم‌الله» که بخشی از «بسم الله الرحمن الرحيم» است مجازاً در معنی ذکر خداوند به کار رفته است:

«اما یادت باشد/ که ما هم کم نیستیم/ زبانمان مدت‌هاست/ با ذکر «بسم‌الله» بیعت کرده است» (همان: ۱۹).

## ۴-۲. تشخیص

تشخیص یا «جان‌دار پنداری» از مهم‌ترین بخش‌های استعاره است که توأم با قدرت تخیل و تصوّر ذهنی فراوانی است. تشخیص در شعر سلمان به‌وفور یافت می‌شود؛ ولی آنچه باعث اهمیت صنعت تشخیص در شعر او شده است، بهره‌گیری از آیات قرآنی در تصویرآفرینی است. سلمان با بهره‌گیری از آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره / ۶۲) به دنیا، شخصیت انسانی داده است که به خواب می‌رود و در مه غلیظی دست‌وپا می‌زند:

«برای دنیایی که/ با «والیوم» به خواب می‌رود/ در مه غلیظی از نیشان/ دست‌وپا می‌زند» (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۲).

سلمان در شعر زیر، با بهره‌گیری از آیه «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدَدٍ مَمِيَّةٍ فَأُحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر: ۹) برای «زمین» شخصیت انسانی قائل شده است که در هنگام قیامت چشم خود را باز می‌کند:

«از برق پرفروغ سم مرکب سحر/ چشم زمین ز خواب گران باز می‌شود/ گلبوته-

های معنی و اشراق می‌دمند/ آنک بهار حادثه آغاز می‌شود» (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

این‌گونه تصویرآفرینی حاصل درکی است که شاعر نسبت به پیوند انسان و طبیعت دارد و سعی می‌کند با بهره‌گیری از مضامین قرآنی، آن را به تصویر بکشد؛ همان‌گونه که با استفاده از آیه شریفه «وَالصَّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر: ۱۸) به «آسمان» شخصیت انسانی داده است:

«در شب تجرد محض/ شب بی‌زمزمه/ تو را می‌شنوم/ و تنفس آسمان را/ و خواب برگ‌ها را» (هراتی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

### ۳. نتیجه‌گیری

تصویرآفرینی قرآنی، بخشی از شعر سلمان هراتی را تشکیل می‌دهد که شاعر از این طریق، صور خیال را در اختیار محتوا قرار داده است و اغلب با هدف القای آموزه‌های قرآنی، پاسداری از ارزش‌های انقلاب و ترویج فرهنگ شهادت، از آن استفاده می‌کند. سلمان با الهام‌گیری از قرآن کریم، سعی دارد علاوه بر این‌که مخاطب را بیشتر با مضامین دینی آشنا کند، به تصویرآفرینی‌های نو بپردازد و شعر خود را عاری از تصویرهای تکراری و مبتذل کند. تصرف ادبی سلمان در مفاهیم پایداری و پیوند آن با قرآن کریم حاصل بینش عمیق او نسبت جنبه قدسی دفاع مقدس است. همین امر سبب انعکاس فراوان تصویرآفرینی قرآنی - بلاغی در اشعار او شده است. او در قالبی هنری، تصاویر زیبایی‌شناختی را در همه قالب‌های شعری اعم از غزل، رباعی، شعر نیمایی و ... نمایان کرده است که بیانگر ساختار قرآنی ذهن هراتی است.

بر اساس این پژوهش، سلمان بیش از هر نوع صور خیالی، به تشبیه نظر دارد. تشبیهات قرآنی در شعر او به این گونه است که یک بخش از طرفین تشبیه، قرآنی است و بخش دیگر را به واسطه بخش قرآنی تبیین و وصف کرده است. استعاره‌های قرآنی نیز در شعر سلمان بازتاب فراوانی یافته است؛ ولی اهمیت کمتری نسبت به تشبیه دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتاب‌شناسی

### کتاب‌ها

۱. قرآن کریم (۱۳۸۷)، ترجمه مکارم شیرازی، انتشارات اسوه
۲. آبین، حسین (۱۳۹۱)، *تجلی قرآن کریم در اشعار شاعران دفاع مقدس*، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. براهنی، رضا (۱۳۷۱)، *طلا در مس*، تهران: انتشارات نویسنده.
۴. جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۰)، *اسرار البلاغه*، به کوشش جلیل تجلیل، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. دیهیمی، سیاوش (۱۳۷۸)، *همپای جلودار مجموعه شعر امام و حماسه*، چاپ اول، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۶. راستگو، سید محمد (۱۳۹۷)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، چاپ سیزدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگه.
۸. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، *پیان و معانی*، تهران: نشر میترا.
۹. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، *آیین سخن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
۱۰. غلامرضایی، محمد (۱۳۷۶)، *سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*، چاپ اول، تهران: جامی.
۱۱. کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۷۵)، *زیباشناسی سخن پارسی*، تهران: نشر ماد.
۱۲. هراتی، سلمان (۱۳۸۸)، *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی*، تهران: دفتر شعر جوان.

### مقاله‌ها

۱. صلاحی اصفهانی، سهیلا (۱۳۸۲)، «تجلی قرآن در ادب فارسی: نگاهی به اشعار سلمان هراتی»، نشریه رشد آموزش قرآن، شماره ۴، صص ۴۵ - ۴۷.
۲. محرمی، رامین؛ اسداللهی، خدابخش؛ پورالخاص، شکرالله؛ فروغی راد، پیام (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر مضامین قرآنی در اشعار کودکانه جعفر ابراهیمی (شاهد)»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی - قرآن، شماره ۱، صص ۱۳۱ تا ۱۴۴.